

شناخت و کاربرد کنایات در گویش مردم شبانکاره

صفر امانی^۱، سیدمجتبی حسینی^۲، سیدمحمود سیدصادقی^۱

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات عرب، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: dr.smho@gmail.com

چکیده

کنایه به عنوان یکی از آرایه‌های بیانی، در زبان و گویش‌ها به‌ویژه گویش‌های محلی، نقشی اساسی در انتقال غیرمستقیم مفاهیم پیچیده، انتقادات اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند. گویش شبانکاره، یکی از گویش‌های محلی استان بوشهر، سرشار از کنایه‌ها و اصطلاحات بومی است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخ غنی این منطقه شکل گرفته‌اند. این پژوهش به بررسی نقش و کاربرد کنایه در گویش مردم شبانکاره می‌پردازد. کنایه به عنوان ابزاری بلاغی و زبانی، علاوه بر زیباسازی گفتار، وسیله‌ای برای بیان غیرمستقیم انتقادات و مفاهیم اجتماعی فرهنگی در این گویش محلی محسوب می‌شود. روش تحقیق شامل گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۵ نفر از افراد میانسال و کهنسال منطقه شبانکاره، محدوده ۴۵ تا ۷۵ سال و بررسی متون ادبیات عامیانه شبانکاره بوده است. داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی تحلیل و دسته‌بندی شدند. مصاحبه‌ها نیمه‌ساختاریافته و با ضبط صوت انجام شد. همچنین، پرسشنامه‌هایی برای بررسی کاربرد کنایات و تغییرات زبان‌شناختی طراحی گردید. از ابزارهای دیجیتال و سنتی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. نتایج نشان داد که کنایات در این گویش ابزاری برای بیان غیرمستقیم انتقادات اجتماعی، مشکلات اقتصادی و حفظ انسجام فرهنگی هستند. کنایه‌ها نه تنها زیباسازی گفتار بلکه به عنوان ابزارهایی برای نقد اجتماعی و فرهنگی به کار می‌روند. این پژوهش بر اهمیت مستندسازی کنایات و گویش‌های محلی تأکید می‌کند تا هویت فرهنگی مردم حفظ شود و به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک کند. مستندسازی این کنایات می‌تواند به حفظ ارزش‌های بومی و درک عمیق‌تر از فرهنگ شبانکاره کمک کند.

کلیدواژه‌ها: کنایه، گویش محلی، فرهنگ بومی، ادبیات عامیانه، گویش شبانکاره.



شیوه‌نامه: امانی، صفر، حسینی، سیدمجتبی، و سیدصادقی، سیدمحمود. (۱۴۰۳). شناخت و کاربرد کنایات در گویش مردم شبانکاره. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۳)، ۲۷۱-۲۵۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ آذر ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Understanding and Application of Idioms in the Dialect of the People of Shabankareh

Safar Amani¹, Sayed Mojtaba Hosseini^{2*}, Seyed Mahmood Seyed Sadeghi¹

1. Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

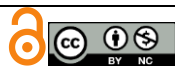
2. Department of Arabic Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

*Corresponding Author's Email: dr.smho@gmail.com

Abstract

Idioms, as one of the figures of speech, play a fundamental role in indirectly conveying complex meanings and social-cultural critiques in language and dialects—particularly in local dialects. The Shabankareh dialect, a local vernacular in Bushehr Province, is rich in idiomatic expressions and indigenous phrases shaped by the geographical position and rich historical background of the region. This study investigates the role and application of idioms in the dialect of the people of Shabankareh. Idioms, as rhetorical and linguistic tools, not only enhance the aesthetic quality of speech but also serve as a means for the indirect expression of social and cultural critiques in this local dialect. The research methodology involved collecting data through interviews with 15 middle-aged and elderly individuals from the Shabankareh region, aged between 45 and 75, and examining folk literature texts from the area. The data were analyzed and categorized using qualitative methods. The interviews were semi-structured and conducted with audio recording. In addition, questionnaires were designed to examine the application of idioms and linguistic changes. Both digital and traditional tools were utilized for data collection. The results indicated that idioms in this dialect serve as instruments for the indirect articulation of social criticism, economic issues, and the preservation of cultural cohesion. Idioms are used not only to beautify speech but also as tools for expressing social and cultural critique. This study emphasizes the importance of documenting idioms and local dialects to preserve cultural identity and strengthen social bonds. Documenting these idioms can contribute to preserving indigenous values and gaining a deeper understanding of the culture of Shabankareh.

Keywords: *idiom, local dialect, indigenous culture, folk literature, Shabankareh dialect.*



How to cite: Amani, S., Hosseini, S. M., & Seyed Sadeghi, S. M. (2024). Understanding and Application of Idioms in the Dialect of the People of Shabankareh. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(3), 258-271.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 20 September 2024

Revise Date: 12 November 2024

Accept Date: 17 November 2024

Publish Date: 21 November 2024

مقدمه

کنایه در زبان به عنوان یکی از ابزارهای مهم بلاغی و زیباشناختی نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری ادبیات و ارتباطات روزمره ایفا می‌کند (۱). کنایه‌ها نه تنها به گفتار و نوشتار عمق و زیبایی می‌بخشند، بلکه به عنوان ابزاری برای بیان غیرمستقیم مفاهیم پیچیده، انتقادات و دیدگاه‌های مختلف نیز کاربرد دارند. در گویش مردم شبانکاره، کنایه به‌طور ویژه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و ریشه در تاریخ و فرهنگ این منطقه از استان بوشهر دارد. شبانکاره به دلیل موقعیت جغرافیایی و تعاملات گسترده با نقاط مختلف، به یک فرهنگ و زبان محلی غنی دست یافته که کنایه‌ها در آن جایگاه ویژه‌ای دارند. با توجه به تمدن هزاران ساله و تنوع فرهنگی و زبانی ایران، گویش‌های محلی به عنوان نماد هویت فرهنگی و میراث معنوی مردم نقش اساسی دارند. اما در دنیای امروز، این گویش‌ها و اصطلاحات به دلیل گسترش زبان‌های غالب، به سرعت در معرض فراموشی و انقراض قرار دارند. با گذشت زمان و کاهش استفاده از گویش‌های محلی، بخش مهمی از دانش و فرهنگ بومی نیز از دست می‌رود، چرا که هر گویش، حامل نظام‌های اجتماعی، باورها و روش‌های زندگی خاص آن منطقه است. در این شرایط، کنایه‌های گویش شبانکاره به عنوان بخشی از این میراث در خطر فراموشی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتری هستند. این مطالعه تلاش می‌کند تا به بررسی کاربرد و نقش کنایه در این گویش بپردازد و ضرورت حفظ و مستندسازی آن را برجسته سازد. از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، کنایه به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، قابلیت دوگانه‌ای در بیان معانی دارد که نیازمند دانش زبانی و فرهنگی مشترک بین گوینده و شنونده است (۲). این ویژگی سبب می‌شود که کنایه‌ها نه تنها جنبه‌های زبانی، بلکه ساختارهای روان‌شناختی و اجتماعی جامعه را نیز منعکس کنند. در حقیقت، کنایه‌ها در گویش شبانکاره به عنوان یک آینه برای بازتاب نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای این

جامعه به کار می‌روند و به همین دلیل، مطالعه آن‌ها می‌تواند به درک بهتری از فرهنگ و ساختار اجتماعی مردم شبانکاره کمک کند. کنایه‌ها در گویش شبانکاره نیز علاوه بر ایجاد زیبایی در گفتار، ابزاری برای نقد اجتماعی و بیان دغدغه‌های مردم هستند و استفاده از آن‌ها در مراسم‌ها و مناسبت‌های مختلف، از ارزش فرهنگی و اجتماعی ویژه‌ای برخوردار است (۳).

هدف از انجام این پژوهش بررسی و کاربرد کنایه در گویش مردم شبانکاره می‌باشد. طاهری در سال ۱۳۹۹ در تحقیقی تحت عنوان "تقسیم بندی نوین «کنایه» در محور زبانی" بیان داشتند که به دلیل کاربرد وسیع «کنایه»، از گذشته تا به امروز، تعاریف متعددی از آن ارایه شده است. تعاریف گذشتگان چندان روشن و دقیق نبوده و مرز مشخصی بین تعریف‌ها و مثال‌هایشان وجود ندارد (۴). از سوی دیگر، کنایه را تنها در آثار ادبی جستجو و شواهدی هم که به عنوان مثال آورده اند فقط از میان آثار ادبی گزینش شده است. بی توجهی به خاستگاه اصلی کنایه؛ یعنی زبان عام، در این تعریف و دسته بندی آن، سبب خلط انواع کنایه شده است. در این مقاله، ابتدا مبهم و سلیقه‌ای بودن تعاریف گذشتگان از کنایه بررسی و سپس، لزوم توجه به کنایات موجود در زبان عام و وارد شدن آن‌ها به زبان ادبی مطرح شده است. در ادامه، با ارایه مثال‌هایی از زبان عام و ادبی، کنایه در سه نوع «کنایه از موصوف»، «کنایه از صفت» و «کنایه از نسبت» با توجه به دایره کاربردشان در بستر زبان عام و ادبی، در دو نوع محدود و نامحدود، به دوازده قسم کنایه تقسیم شده است. در پایان، «کنایه از نسبت» به دلیل قدرت بالای توصیف، با ارزش ترین نوع کنایه تشخیص داده شده است. در عصر جهانی‌شدن، زبان‌های محلی و گویش‌ها تحت فشار زبان‌های بین‌المللی قرار گرفته و رو به زوال می‌روند. این موضوع نه تنها به ازوای زبانی، بلکه به کاهش همبستگی فرهنگی و اجتماعی نیز منجر می‌شود. با از دست رفتن گویش‌های محلی، حس تعلق و هویت فرهنگی مردم به تدریج تضعیف خواهد شد.

بنابراین، کنایه‌ها به عنوان بخشی از میراث زبانی و فرهنگی شبانکاره نه تنها باید حفظ و مستندسازی شوند، بلکه پژوهش‌هایی در این حوزه می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی مردم و انتقال ارزش‌های بومی به نسل‌های آینده کمک کند. اهمیت این تحقیق در آن است که با شناخت و ثبت کنایه‌ها، زمینه را برای تحقیقات عمیق‌تر در حوزه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی فراهم کرده و به غنای ادبیات شفاهی شبانکاره کمک کند (5).

روش پژوهش

در این پژوهش، شناخت ماهیت کنایات محلی و اصطلاحات عامیانه از طریق دو روش میدانی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در روش کتابخانه‌ای، منابع مختلفی در زمینه تعبیرات عامیانه و ادبیات عامیانه استان استفاده شده و برای تحلیل بلاغی و زیباشناختی از متون مهمی چون "بلاغت و صناعات ادبی" همایی و "بیان و معانی" شمیسا بهره‌برداری شده است. در روش میدانی، با انجام مصاحبه با ۱۵ نفر از افراد میانسال و کهنسال منطقه شبانکاره، اطلاعات مربوط به کنایات و اصطلاحات محلی جمع‌آوری شد. مصاحبه‌شونده‌ها از نظر سن در محدوده ۴۵ تا ۷۵ سال قرار دارند و شامل افرادی با تحصیلات مختلف (از افراد با تحصیلات ابتدایی تا تحصیلات عالی) می‌شوند. علت انتخاب افراد میانسال و کهنسال به دلیل تسلط بیشتر آن‌ها بر گویش‌های محلی و آشنایی با تغییرات زبانی در طول زمان است. این فرآیند شامل استفاده از ابزارهای دیجیتال و سنتی برای گردآوری اطلاعات و انجام مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها بوده است.

مبانی نظری

زبان و گویش مردم شبانکاره

شبانکاره (Shabankareh)، واقع در شهرستان دشتستان استان بوشهر، از موقعیت جغرافیایی استراتژیکی برخوردار است که به آن امکان توسعه کشاورزی و ارتباط با دریا را داده است. شهر شبانکاره (ده کهنه قدیم) مرکز بخش شبانکاره از توابع استان

بوشهر شهرستان دشتستان که در فاصله ۹۵ کیلومتری شمال شرقی بندر بوشهر و در حوزه آبریز رود حله قرار دارد. زبان محلی مردم شبانکاره، به‌ویژه گویش شبانکاره، از مهم‌ترین عناصر هویتی این جامعه به شمار می‌آید. این گویش به عنوان یکی از گویش‌های خاص استان بوشهر، ویژگی‌های زبانی و فرهنگی خاص خود را دارد و با گویش‌های دیگر مناطق ایران متفاوت است (6). زبان و گویش مردم این خطه فارسی دشتستانی آمیخته‌ای از برخی واژگان فارسی باستان و پهلوی است که هنوز در برخی روستاها تکلم می‌شود (2). به عنوان نمونه می‌توان واژه‌های کلک (Kelak) به معنی منقل گلی، تُنک (Tonok) به معنی نازک و یَخنی (Yakhni) به معنی آبگوشت به همراه نان، را نام برد.

ویژگی‌های گویش شبانکاره

گویش شبانکاره به عنوان یکی از گویش‌های بومی استان بوشهر، مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات خاص خود را دارد که به‌طور واضح زندگی روزمره و تجربیات فرهنگی مردم این منطقه را بازتاب می‌دهد (7). این گویش به‌ویژه تحت تأثیر محیط جغرافیایی و فعالیت‌های اقتصادی، مانند کشاورزی و دامداری شکل گرفته است. به عنوان مثال، واژگان مرتبط با محصولات زراعی و دام‌ها در این گویش بارز و نمایان هستند و می‌توانند به‌خوبی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی این جامعه را به تصویر بکشند. ساختارهای دستوری گویش شبانکاره نیز دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن را از فارسی معیار متمایز می‌کند. این تفاوت‌ها ممکن است شامل نحوه جملات، ترتیب کلمات، و استفاده از زمان‌ها باشد. به عنوان مثال، در گویش شبانکاره ممکن است از جملات ساده‌تری استفاده شود که در آن‌ها به‌جای ساختارهای پیچیده و ادبی، از زبان محاوره‌ای و روزمره بهره گرفته می‌شود. این ویژگی‌ها به گویش شبانکاره کمک می‌کند تا کاربر آن به راحتی احساسات و تجربیات خود را بیان کند. این تنوع زبانی در گویش شبانکاره نه تنها به غنای ادبیات شفاهی این منطقه

افزوده، بلکه به درک بهتر فرهنگ و آداب و رسوم محلی نیز کمک می‌کند. بنابراین، شناخت و حفظ این ویژگی‌ها می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان مردم کمک کند. علاوه بر این، گویش شبانکاره به‌عنوان یک گنجینه فرهنگی، دربرگیرنده قصه‌ها، افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌های بومی است که هویت و تاریخ منطقه را به تصویر می‌کشند. این عناصر ادبی نه‌تنها به فهم بهتر از زندگی و تفکر مردم این منطقه کمک می‌کند، بلکه به غنای ادبیات شفاهی و فرهنگی آن نیز افزوده است. به این ترتیب، گویش شبانکاره به‌عنوان یک منبع مهم برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ و زبان‌های محلی شناخته می‌شود. گویش شبانکاره، به‌عنوان بخشی اساسی از هویت فرهنگی مردم منطقه، نقش مهمی در تقویت حس تعلق و ارتباطات اجتماعی ایفا می‌کند. این گویش با انتقال تجربیات، باورها و ارزش‌های جامعه به نسل‌های بعد، بستر مناسبی برای حفظ و تداوم هویت فرهنگی فراهم می‌آورد (8).

علاوه بر کاربرد در مکالمات روزمره، گویش شبانکاره در ادبیات و آهنگ‌های محلی نیز نقش دارد، که به غنای ادبیات شفاهی و آشنایی بیشتر مردم با فرهنگ خود کمک می‌کند. با توجه به تهدیدات ناشی از جهانی‌شدن، حفظ این گویش به‌عنوان گنجینه‌ای فرهنگی ضروری است، چرا که می‌تواند در مقابله با تغییرات فرهنگی و تقویت حس هویت محلی مؤثر باشد. همچنین، گویش شبانکاره برای پژوهش‌های زبان‌شناسی و انسان‌شناسی فرصتی جهت شناخت بهتر ساختارهای اجتماعی منطقه فراهم می‌کند. بنابراین، حفظ و مستندسازی این گویش جهت تقویت هویت فرهنگی و روابط اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های شبانکاره به عنوان ابزار انتقال

مفاهیم فرهنگی

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های رایج در منطقه شبانکاره بخش مهمی از ادبیات عامیانه این منطقه را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان ابزارهایی برای انتقال مفاهیم فرهنگی و اجتماعی به کار می‌روند.

این اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها درواقع کلمات و عباراتی هستند که به‌صورت مختصر و قابل فهم، حکمت‌ها، ارزش‌ها و تجربیات زیستی نسل‌های مختلف را به اشتراک می‌گذارند و معمولاً حاوی نکات اخلاقی و اجتماعی هستند که با زبانی ساده و گاه طنزآمیز بیان می‌شوند (9). ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج در این منطقه، علاوه بر کاربرد زبانی، به‌عنوان حافظه فرهنگی نیز عمل می‌کنند و در قالب کلمات و عبارات موجز، تجربیات و ارزش‌های اجتماعی را منتقل می‌کنند. به‌عنوان مثال، بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در منطقه به روابط اجتماعی، سختی‌ها و چالش‌های زندگی روزمره اشاره دارند و از طریق تکرار در محاورات روزمره به نسل‌های جدید انتقال می‌یابند. این ابزارهای بیانی به ویژه در مناسبت‌های اجتماعی، مانند گردهمایی‌ها و جشن‌ها، بستر مناسبی برای تبیین روابط اجتماعی و انتقال مفاهیم عمیق فرهنگی فراهم می‌کنند (10).

بررسی نقش کنایه در انتقال انتقادات و مسائل اجتماعی منطقه

کنایه در ادبیات عامیانه شبانکاره، ابزاری مهم برای بیان غیرمستقیم مفاهیم اجتماعی و فرهنگی است (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۵۳). کنایه‌ها به دلیل ماهیت غیرمستقیم و پوشیده خود، به افراد امکان می‌دهند تا نظرات و انتقادات خود را در قالبی لطیف و زیرکانه بیان کنند، به‌ویژه در شرایطی که انتقاد مستقیم ممکن است با واکنش‌های منفی مواجه شود. در جامعه شبانکاره، کنایه‌ها به‌عنوان ابزاری برای اشاره به نابرابری‌ها، مشکلات اقتصادی و چالش‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ابزارها با ایجاد لایه‌های معنایی پیچیده، شنونده را وادار به تأمل و تحلیل می‌کنند و به این ترتیب، کنایه‌ها به ابزاری برای نقد اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شوند (11). کنایه‌ها در این منطقه، بازتاب‌دهنده شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم هستند و از طریق آن‌ها مسائل پیچیده اجتماعی و اقتصادی با زبانی ساده و جذاب به نمایش گذاشته می‌شود. بسیاری از کنایه‌های رایج در گویش شبانکاره به مسائلی همچون بی‌عدالتی

تحلیل داده

دسته‌بندی و تحلیل انواع کنایه‌های رایج در گویش شبانکاره کنایه‌ها در گویش شبانکاره بر اساس ساختار و محتوای خود به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. این دسته‌بندی شامل کنایه‌های موصوف (کنایه‌هایی که به ویژگی‌های شخص یا شیء خاصی اشاره دارند)، کنایه‌های صفت (که به صورت غیرمستقیم ویژگی‌های افراد یا پدیده‌ها را توصیف می‌کنند) و کنایه‌های فعلی یا مصدری (که به توصیف رفتارها و کنش‌های خاص می‌پردازند) می‌شود. در گویش شبانکاره، این کنایه‌ها به عنوان ابزارهایی برای بیان غیرمستقیم مفاهیم فرهنگی و اجتماعی به کار می‌روند. برای مثال، کنایه‌هایی نظیر «دستش نمک ندارد» به صورت غیرمستقیم به افراد بخیل اشاره می‌کند و ویژگی‌های رفتاری آن‌ها را بدون ذکر مستقیم بیان می‌کند. از سوی دیگر، کنایه‌های فعلی یا مصدری، مثل «سرش توی حساب خودش است»، کنش‌های اجتماعی یا اقتصادی را مورد اشاره قرار می‌دهند و به طور غیرمستقیم به افراد فرصت‌طلب یا محتاط اشاره می‌کنند. این نوع کنایه‌ها علاوه بر آن که با زبان روزمره و محلی تطبیق دارند، به مخاطبان این امکان را می‌دهند که با تفسیر دقیق‌تر به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی برسند. در زیر به نمونه‌هایی از این کنایه‌ها اشاره می‌شود:

۱.۱.۴. کنایه از موصوف (اسم): در این کنایه وصف اسمی را می‌گیریم و از آن خود اسم را اراده می‌کنیم.

۱. چار قلم سفید / ʧɑ:ɾɒlæm sæfid / چارپا، چهار قلم (چهار دست و پا). کنایه از اسبی که دست و پایش سفید است (13).

۲. آدم حلال زاده / ʔædæm hælb:zɒ:de / کنایه از شخصی که پاک نیت و صادق است. وقتی در جایی ذکر خیر او می‌شود به موقع حاضر می‌شود. این گونه می‌گویند: آدم حلال زاده یه نه، تا گپش زدُم اومه.

اجتماعی، فساد اقتصادی و ناهنجاری‌های فرهنگی اشاره دارند و از آن جا که به صورت غیرمستقیم بیان می‌شوند، به افراد اجازه می‌دهند تا احساسات و نگرانی‌های خود را بدون ایجاد تعارض بیان کنند. به عنوان مثال، در داستان‌ها و اشعار محلی، کنایه‌ها به شکل هنرمندانه‌ای به تصویر کشیده شده و به انتقال پیام‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کنند (12). این نوع بیان، علاوه بر حفظ اصالت فرهنگی، به گسترش گفتگوهای سازنده اجتماعی کمک کرده و به عنوان ابزاری برای همدلی و همبستگی در جامعه به کار می‌رود. حفظ و ترویج این نوع بیان، به عنوان بخشی از فرهنگ شفاهی، به تقویت هویت فرهنگی و انتقال ارزش‌های بومی کمک می‌کند (7).

تعاریف کنایه و تفاوت‌های آن با استعاره و دیگر آرایه‌های ادبی
کنایه به عنوان یکی از آرایه‌های مهم بیانی و بلاغی در ادبیات، مفهومی است که از طریق آن نویسنده یا گوینده به طور غیرمستقیم معنایی را به شنونده منتقل می‌کند. تعاریف کنایه اغلب حول محور ایجاد ایهام و معنای چندگانه بیان می‌شوند. این ابزار ادبی به عنوان نوعی «زبان غیرمستقیم» شناخته می‌شود که معنای اصلی و حقیقی در لایه‌های زیرین آن پنهان است و مخاطب با تأمل و تفسیر دقیق می‌تواند به مفهوم نهایی دست یابد (13). تفاوت کنایه با استعاره و دیگر آرایه‌های ادبی در آن است که کنایه به مخاطب این امکان را می‌دهد تا از معنای ظاهری به طور غیرمستقیم به معنای ضمنی برسد، در حالی که در استعاره یک مقایسه مستقیم بدون ذکر تمام اجزای تشبیه صورت می‌گیرد. کنایه علاوه بر معنای ظاهری، بافت و معنای اجتماعی یا فرهنگی خاصی را نیز به خود می‌گیرد، به طوری که بدون شناخت از این زمینه‌ها ممکن است معنای اصلی درک نشود (14). همچنین، برخلاف ضرب‌المثل‌ها که معمولاً معنایی ثابت دارند و مستقل از شرایط اجتماعی به کار می‌روند، کنایه بسته به شرایط و بستر فرهنگی می‌تواند معنای متفاوتی پیدا کند.

لَهُوْزُ /ləhɒ:z/ در معنی فرد ضعیف الجثه می‌گویند. اما کنایه از شخص تهیدست است. کسی که فقیر است و مالی ندارد. می‌گویند فلانی آدم لَهُوْزِیه.

۳. گندگدا /gændægda/: کنایه از شخص خسیس است. کسی که مالی دارد و در قبال درخواست دیگران، از دادن مال خود امتناع می‌ورزد. معادل آن یعنی ناخن خشک (13).

کنایه از صفت: کنایه از صفت به معنای استفاده غیرمستقیم از صفات برای توصیف و بیان ویژگی‌های افراد یا اشیاء است. این نوع کنایه‌ها به‌طور خاص به توصیف جنبه‌های مختلف شخصیت یا خصوصیات ظاهری می‌پردازند و معمولاً با ایجاد ایهام و معانی چندگانه، به عمق ادبیات و بیان احساسات افزوده می‌شوند. به‌عنوان مثال، به جای گفتن «او زیبا است»، ممکن است بگوییم «چهره‌اش مثل گل در بهار می‌درخشد»، که ضمن اشاره به زیبایی، حس طراوت و شادابی را نیز منتقل می‌کند به عبارت دیگر مکنی به صفت است، که باید متوجه صفت دیگری (مکنی عنه) شد. یعنی از یک صفت، صفت دیگری به ذهن متبادر می‌شود. در شعر، «دهر سیه کاسه یی است ما همه مهمان او بی نمکی تعبیه است از نمک خوان او (خاقان)»

مثلاً از سیاه کاسه، کثیف و بخیل دریافت می‌شود و از بی نمکی هم بی مزه ای. به عنوان نمونه در گویش شبانکاره می‌توان به این اصطلاحات اشاره کرد:

۱. خُنْک /xu:nɒk/: از ویژگی‌های فرد لالابالی است. می‌گویند فلانی آدم خنکی است یعنی سبک وضع است. کسی که در مقابل دیگران حرف‌های ناشایست و نسنجیده بزند.

۲. لَقْ دراز /læɡ dɪɾɒ:z/: معادل دراز بالا به معنی نادان به کار می‌رود. مثلاً شخصی که قدش بلندشده ولی ادب و معرفت ندارد به او می‌گویند فقط لقی دراز کردیه یا سیل لقت کردیه یعنی نگاه به قدت کرده‌ای؟

کنایه‌های صفت در گویش‌ها و زبان‌های محلی کاربرد ویژه‌ای دارند. این کنایه‌ها می‌توانند به‌عنوان بازتاب‌دهنده فرهنگ و هویت محلی عمل کنند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. در زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران، به‌ویژه در مناطقی مانند بوشهر، این نوع کنایه‌ها در مکالمات روزمره و ادبیات شفاهی نقش مهمی ایفا می‌کنند. گویش‌های محلی از طریق کنایه‌های صفت قادرند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه را زنده نگه‌دارند و همچنین به شناخت عمیق‌تری از هویت محلی منجر شوند. استفاده از این نوع کنایه‌ها در اشعار محلی و داستان‌ها، نشان‌دهنده پیوند بین زبان و فرهنگ جامعه است.

کنایه از فعل یا مصدر: کنایه از فعل یا مصدر یکی از مهم‌ترین انواع کنایه‌هاست که از طریق فعل یا مصدر به بیان مفهومی عمیق و غیرمستقیم پرداخته می‌شود. این نوع کنایه در زبان محاوره‌ای و ادبیات عامیانه بسیار رایج است و به عنوان ابزاری برای بیان غیرصریح و ضمنی مفاهیم استفاده می‌شود. این نوع کنایه رایج ترین نوع کنایه است و کاربرد زیادی در زندگی مردم دارد. کنایه مصدری (مکنی به) در معنای فعل یا مصدر دیگری (مکنی عنه) به کار می‌رود. به عنوان مثال: دست کفچه کردن به معنی گدایی کردن است. یا به صحرا افکندن کنایه از آشکار کردن است زیرا صحرا لخت است و همه چیز در آن نمایان است. در ادبیات فارسی، کنایه‌های فعلی معمولاً برای بیان رفتار، عادات یا خصوصیات فردی یا اجتماعی به کار می‌روند. به این ترتیب، کنایه از فعل می‌تواند به صورت غیرمستقیم به توصیف یک رفتار یا وضعیت بپردازد و از قدرت زبانی بالایی برخوردار باشد. این نوع کنایه‌ها به‌ویژه در موقعیت‌هایی که نیاز به بیان انتقاد، طنز یا اعتراض وجود دارد، بسیار مؤثر هستند. و اما مثال‌هایی در گویش شبانکاره:

۱. پس دل انداختن /pes del ændɒxtæn/: پشت دل انداختن به مفهوم تعلل ورزیدن در کاری. کسی که به دلایل و بهانه‌های

مختلفی در انجام کاری امروز و فردا می‌کند. معمولاً این افراد تنبل و سست اراده اند.

۲. مُرا ویدن *moro vidæn*: اصطلاح مُر در گویش محلی به معنی جمع شدن است. اصطلاح ویدن مخفف واویدن در معنی فعل شدن است. این کنایه از شخصی است که به دلیل ارتکاب به تخلفی در گذشته در میان دیگران شرمنده می‌شود می‌گویند فلانی مُراوی یعنی دست وپایش را جمع کرد. معادل آن در ادبیات فارسی آب شدن است. کسی که می‌گوید من در مقابل وی آب شدم یعنی خجل شدم از دیگر معادل آن سرافکنده شدن به معنی خجل و شرمساری است.

۳. مُنگه دادن *monge dædæn*: کنایه از زیر لب شکوه کردن است. وقتی کسی از مسئله‌ای ناراحت است و به طور غیرمستقیم و آهسته اظهار ناراحتی می‌کند می‌گویند مُنگه می‌دهد یا فلانی آدم مُنگ منگویی است. در گویش دشتی ناله و گریه آرام است.

۴. پَل پَل کردن *pæl pæl kændæn*: به معنای دست و پا زدن حیوانات (مرغ، گوسفند، کبوتر) موقع جان دادن است. کنایه از بی قراری و نا آرامی است. مرغکو هاسی پَل پَل می‌کنه (آن مرغ دارد جان می‌دهد).

۵. گر در آوردن *ger dær aværdæn*: کنایه از مشکل مداوم در کار است. وقتی گره‌ای یا مشکلی درکاری پیش بیاد که به سختی قابل حل شدن است می‌گویند کارکو گردد آورده یا به عبارتی گر تو کاره.

۶. چَش زدن *tʃɛʃ zædæn*: می‌گویند فلانی چَشش زدن یا چَش خَرده کنایه از زخم چشم است. یعنی کسی که به واسطه مال زیاد یا عزیز بودن در نظر دیگران خوب جلوه می‌کند زخم چشم می‌خورد و برای او دردسر ایجاد می‌شود.

۷. موس مُرو کردن *mus mōro kordæn*: کسی که دنبال چیزی می‌گردد. کنایه از تملق و چاپلوسی است.

۸. چو شو چاله کردن *tʃo ʃo tʃalɛ kurdæn*: چوب زیر چاله می‌کند. چاله همان گودال پر از آتش است. کسی که چوب زیر شعله آتش می‌کند تا شعله ورتر شود. کنایه از کسی است که آتش فتنه را بیشتر می‌کند و بین دو یا چند نفر را می‌خواهد خراب کند. معمولاً در بین خانواده‌ها اتفاق می‌افتد. گاهی اوقات به دلایل گوناگونی در تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه هم رخ می‌دهد.

کنایه در اشعار عامیانه

باتوجه به بررسی اشعار عامیانه و ترانه‌های محلی می‌توان گفت اصطلاحات کنایی، زیبایی خاصی به شعر محلی بخشیده است. در واقع زیبایی شعر محلی به وجود کنایات آن است که شعر را جذاب و روان کرده است و زیباترین احساسات و عواطف پاک انسانی را در خود جلوه می‌دهد. اشعار عامیانه شامل شعرهای قدیمی و کهن است که از دوران بسیار قدیم به صورت سینه به سینه نقل شده و امروز به دست ما رسیده است همچنین ترانه‌های محلی که مشهورترین آن‌ها دوبیتی‌های محلی یافهلویات، نظیر اشعار بابا طاهر همدانی که به لهجه لری سروده شده است. در استان بوشهر منطقه شبانکاره، نیز ترانه‌های قدیمی محلی بخشی از ادبیات شفاهی این سرزمین است که در مراسم شادی و جشن‌ها به صورت دسته جمعی می‌خوانند. دی بلال، هَشکله، و یارمبارکبادا نمونه ترانه‌های محلی این منطقه هستند. در کتاب ادبیات عامیانه استان بوشهر دکتر عبدالله رضایی (۱۳۸۱) بیت شماره ۲۴ در شعر عروسی می‌خوانیم:

« آرخولیک خاری بادنجون بردشه تسمه تفنگ زُر و پیچش تو خوانون سبزه گردن بلند »

سرتاسر کنایه است، این بیت کنایه از شوکت و عظمت است. "آرخولیک یا آرخلُک" معمولاً لباسی گرانبها بوده و خاری جنس و نوع پارچه آن است و "زُر و پیچش" رفت و آمدش و "خوانون" به معنای خان‌ها است (14).

تفاوت کنایه و ضرب المثل

در بررسی‌های دقیق ادبی و زبانی، تفاوت اصلی میان کنایه و ضرب‌المثل در ماهیت و نحوه بیان آن‌ها نهفته است. کنایه، به‌عنوان یکی از ابزارهای بلاغی، به بیان غیرمستقیم مفاهیم می‌پردازد و در واقع به نوعی ایهام و معانی چندگانه توجه دارد. ضرب‌المثل‌ها، در مقابل، عبارت‌های ثابت و مستقلى هستند که بر اساس تجربیات جمعی شکل گرفته‌اند و بیشتر به عنوان آموزه‌ها یا حکمت‌های اخلاقی و فرهنگی پذیرفته شده‌اند. کنایه‌ها بسته به بافت و شرایط فرهنگی، قابلیت تفسیر بیشتری دارند و ممکن است در موقعیت‌های مختلف معنای متفاوتی پیدا کنند. به عنوان مثال، در یک جامعه یا گویش خاص، یک کنایه ممکن است معانی عمیق‌تری از آنچه در ظاهر می‌نماید داشته باشد و برای درک کامل آن به دانش زمینه‌ای از فرهنگ و تاریخ نیاز است (14). «شمیسا به نقش اجتماعی و اخلاقی کنایه‌ها اشاره می‌کند و آن‌ها را ابزارهای بیانی معرفی می‌کند که برای بیان انتقادات اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از نظر او، کنایه‌ها برخلاف ضرب‌المثل‌ها ساختارهای بازتری دارند و بیشتر به فضای بیانی و خلاقیت ادبی وابسته هستند» (13).

در مقابل، ضرب‌المثل‌ها جملاتی ثابت هستند که به مرور زمان به بخشی از حکمت و ادبیات جمعی تبدیل شده‌اند و بدون نیاز به تفسیر بیشتر توسط همه افراد جامعه درک می‌شوند. کنایه‌ها با تکیه بر بافت اجتماعی و بستر فرهنگی معنا پیدا می‌کنند و در بسیاری از موارد، نیازمند تفسیر از سوی مخاطب هستند. در حالی که ضرب‌المثل‌ها به طور عمومی قابل فهم هستند و نیاز به بافت خاصی برای درک ندارند. به عنوان مثال، ضرب‌المثل «هرچه بکاری، همان را درو می‌کنی» به طور واضح به اصل علت و معلول اشاره دارد و به سرعت پیام اخلاقی خود را منتقل می‌کند، در حالی که کنایه ممکن است معنایی پنهان داشته باشد که تنها با آگاهی از شرایط بیان شده به‌طور کامل فهمیده شود. «ثروت نیز به جنبه‌های بلاغی کنایه‌ها و نقش آن‌ها در ایجاد ایهام اشاره می‌کند و معتقد

است که کنایه‌ها برخلاف ضرب‌المثل‌ها از نظر زبانی و معنایی قابلیت تغییر و انطباق بیشتری دارند» (9).

در این راستا، کنایه‌ها به نویسندگان و گویندگان امکان می‌دهند تا احساسات و مفاهیم خود را به شکلی پنهان و زیرکانه بیان کنند. در نهایت، از منظر عظیمی، ضرب‌المثل‌ها به دلیل اینکه جزئی از فرهنگ عامه هستند و پیام‌های روشنی دارند، اغلب به‌صورت مستقل و به‌عنوان نوعی حکمت جمعی عمل می‌کنند. اما کنایه‌ها بیشتر به بافت وابسته‌اند و این امکان را به مخاطب می‌دهند تا با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی به تفسیر آن‌ها بپردازد (10). در نتیجه، تفاوت اصلی میان کنایه و ضرب‌المثل در ماهیت، کاربرد و نوع بیان آن‌هاست. ضرب‌المثل‌ها عبارات ثابت و اخلاقی هستند که بیشتر به عنوان آموزه‌های فرهنگی پذیرفته شده‌اند، در حالی که کنایه‌ها بیشتر به جنبه‌های بلاغی و غیرمستقیم اشاره دارند و معانی پنهانی دارند که نیاز به تفسیر و درک زمینه‌ای دارند.

نتیجه‌گیری

کنایه به‌عنوان یک ابزار زبانی، در گویش مردم شبانکاره نقشی بسزا ایفا می‌کند و در تعاملات اجتماعی، فرهنگی و ادبی این جامعه نمایان است. گویش شبانکاره به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی خاص خود، بستری مناسب برای ظهور و بروز کنایات فراهم کرده است. این کنایات به‌ویژه در مکالمات روزمره و مناسبت‌های اجتماعی استفاده می‌شوند و به نوعی حس تعلق و هویت اجتماعی را تقویت می‌کنند. کنایه‌ها در شبانکاره به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان احساسات، انتقادات و نگرش‌ها استفاده می‌شوند. این نوع بیان به افراد این امکان را می‌دهد که نظرات خود را به‌طور غیرمستقیم و با تأمل بیشتری منتقل کنند.

کنایه‌ها فراتر از ابزار زبانی هستند و به‌عنوان نماینده‌ای از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مردم شبانکاره عمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کنایات در گویش شبانکاره، تأثیر آن‌ها بر ادبیات عامیانه است. استفاده از اصطلاحات در داستان‌ها و

روایت‌های محلی باعث می‌شود معانی پیچیده‌تری به تصویر کشیده شوند و احساسات عمیق‌تری منتقل شوند. این اصطلاحات در اشعار، داستان‌ها و حتی نقدهای اجتماعی نیز به چشم می‌خورند و به فهم بهتر از روحیه و ارزش‌های مردم شبانکاره کمک می‌کنند. کنایات در گویش شبانکاره به‌عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مردم با استفاده از کنایات، نظیر "او زده که مُ گُر ختمه؟" به معنای "آیا او مبارزه کرده که من فرار کرده‌ام؟" نارضایتی‌ها و انتقادات خود را نسبت به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیان می‌کنند، بدون آن که به‌طور مستقیم با مشکلاتی چون سانسور یا قضاوت مواجه شوند. این کنایات به‌ویژه در جوامع محلی که انتقادات صریح ممکن است با واکنش منفی مواجه شود، از اهمیت زیادی برخوردارند. کنایات نماد هویت فرهنگی و اجتماعی مردم شبانکاره هستند. افراد با استفاده از این کنایات می‌توانند خود را به‌عنوان بخشی از یک جامعه بزرگ‌تر احساس کنند و با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. این نوع ارتباط به حفظ هویت محلی و بهبود روابط اجتماعی کمک کرده و احساس تعلق به جامعه را تقویت می‌کند.

مطالعه کنایات در گویش شبانکاره نه‌تنها به تحلیل زبانی بلکه به بررسی ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز مربوط می‌شود. این کنایات به عنوان آیینی‌ای از فرهنگ و تاریخ مردم شبانکاره عمل کرده و درک بهتری از رفتارها و نگرش‌های آنان ارائه می‌دهند. با توجه به تأثیرات منفی جهانی‌شدن، حفظ و گسترش کنایات محلی برای حفظ هویت فرهنگی و زبانی ضروری است. پژوهش در زمینه کنایات در گویش شبانکاره می‌تواند به درک عمیق‌تری از تنوع فرهنگی و زبانی ایران کمک کند و به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای حفظ این گنجینه‌های زبانی بپردازد. نتایج این پژوهش نشان داد که کنایات در گویش شبانکاره نقشی حیاتی در انتقال مفاهیم پیچیده و انتقادات اجتماعی و فرهنگی دارند. این ابزار زبانی نه تنها برای زیباسازی گفتار بلکه به‌عنوان ابزاری برای

بیان غیرمستقیم مشکلات اجتماعی، نابرابری‌ها، و چالش‌های اقتصادی در این منطقه استفاده می‌شود. داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌ها و بررسی متون ادبی نشان‌دهنده استفاده گسترده از کنایات برای حفظ انسجام فرهنگی و بیان دغدغه‌های مردم شبانکاره است. همچنین، این کنایات در ایجاد هویت فرهنگی و تقویت پیوندهای اجتماعی میان افراد این جامعه مؤثر هستند. از نظر کاربرد اجتماعی، کنایات در گویش شبانکاره به‌عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند، به‌ویژه در شرایطی که انتقاد مستقیم ممکن است منجر به واکنش‌های منفی شود. این نوع بیان غیرمستقیم به افراد این امکان را می‌دهد که نگرانی‌ها و نظرات خود را به شیوه‌ای لطیف و زیرکانه بیان کنند. در نهایت، پژوهش حاضر بر لزوم حفظ و مستندسازی این کنایات تأکید می‌کند تا به این وسیله نه تنها هویت فرهنگی مردم شبانکاره حفظ شود بلکه به درک عمیق‌تری از تاریخ، فرهنگ و ساختار اجتماعی این منطقه کمک گردد. نتیجه‌گیری این پژوهش بر اهمیت شناخت و حفظ گویش‌های محلی و کنایات آن‌ها تأکید دارد. با توجه به تهدیدات ناشی از جهانی‌شدن و تغییرات فرهنگی، مستندسازی این کنایات می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و انتقال ارزش‌های بومی به نسل‌های آینده کمک کند. این تحقیق همچنین زمینه را برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی فراهم کرده و به غنای ادبیات شفاهی و فرهنگی شبانکاره می‌افزاید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Idioms, as figurative expressions deeply embedded within the linguistic and cultural fabric of a community, serve multifaceted functions far beyond ornamental language use. In the Shabankareh dialect—a localized vernacular within Iran's Bushehr Province—idioms and figurative expressions are not only prevalent but essential to the community's cultural continuity and identity. From a sociolinguistic perspective, idioms in this region act as linguistic vessels that carry social norms, collective experiences, and the worldview of the people. As (1) explains, idiomatic language functions as an indispensable tool in both poetic aesthetics and the communication of layered meaning, enabling speakers to articulate socio-cultural critiques without resorting to direct confrontation. These indirect communicative strategies are crucial in maintaining social harmony while also subtly transmitting dissent and cultural memory. The research at hand explores the Shabankareh idioms as rhetorical devices that mirror the community's historical circumstances, economic challenges, and moral sensibilities. Given the region's rich historical and geographical context, idioms not only enhance conversational texture but also preserve social cohesion, as seen in expressions rooted in agricultural and pastoral life. Social semiotics and pragmatic linguistics intersect in the study of such expressions, wherein idioms serve as cognitive shortcuts

laden with cultural connotations only interpretable within a shared sociocultural context (2). Therefore, the study of idioms in Shabankareh is not merely a linguistic inquiry but an anthropological and cultural undertaking aimed at preserving an endangered linguistic heritage in the face of globalization and language homogenization (5).

The methodology employed in this study combined qualitative data collection through semi-structured interviews and ethnolinguistic observation with a review of relevant literary and theoretical texts. Fieldwork included interviews with 15 middle-aged and elderly native speakers from Shabankareh, aged 45 to 75, who were selected for their linguistic competence and cultural knowledge. In addition to oral data, folk literature from the region was analyzed to trace the usage and evolution of idiomatic expressions. Secondary sources included rhetorical studies such as those by (13) and classical texts in Persian stylistics, which were used to frame the analysis of idioms according to their structural and functional categories. The idioms were classified into three main types: noun-based (e.g., descriptive metaphors about character or physical traits), adjective-based (e.g., expressions that evoke emotional or moral characteristics), and verb-based idioms (e.g., idioms reflecting actions or behavioral tendencies). Such classification aligns with frameworks proposed by (4), who emphasized the need for idiom taxonomy rooted in

colloquial usage rather than solely literary sources. This approach allowed the researchers to move beyond abstract or generalized interpretations, focusing instead on the lived realities and pragmatic functions of idioms in Shabankareh society. Through this multidimensional lens, the idioms were understood not only as linguistic artifacts but also as discursive strategies embedded in everyday interactions and communal identity-making processes.

Central to the cultural and social function of idioms in Shabankareh is their role in transmitting ethical values, social norms, and critiques in an indirect manner. As (3) notes, idioms often encapsulate complex sociopolitical commentary in a digestible, culturally sanctioned form. This is especially important in rural and traditional societies where overt criticism can lead to social friction. In such contexts, idioms provide a mechanism for voicing discontent while preserving communal harmony. This duality is evident in expressions that, for instance, mock avarice or corruption without explicitly naming individuals, such as the phrase “gande gada,” which metaphorically critiques stinginess while invoking cultural familiarity (13). Likewise, the idiom “lahoozi,” which refers to a physically weak person but denotes economic destitution, reveals how idioms function as socially coded messages. These verbal cues act as tools for moral instruction, community surveillance, and intergenerational knowledge transfer. In this way, idioms serve both as

cognitive-linguistic units and social scripts that instruct behavior and articulate shared grievances. Such idioms are commonly employed during social gatherings, festivals, and even local poetry and song, reaffirming their role in the social reproduction of values (7). Furthermore, idioms in Shabankareh are often accompanied by gestures and intonational cues, which enhance their performative dimension and signal the speaker's evaluative stance.

The semantic depth and rhetorical power of idioms lie in their capacity for double meaning and socio-contextual resonance, distinguishing them from other tropes such as metaphor or simile. According to (14), idioms differ from metaphors in their social embedment and capacity to evoke shared cultural experiences. For instance, while a metaphor may function across contexts, an idiom's intelligibility is contingent upon cultural knowledge. This is exemplified in the phrase “muse moro kardan,” literally “making the mouse go,” which metaphorically denotes sycophantic behavior—a meaning that cannot be discerned without cultural immersion. Similarly, the idiom “cho sho chale kardan” (to stoke the fire) points to someone who incites conflict, drawing on rural imagery to convey complex interpersonal dynamics. As (11) elaborates, such idioms are rich with historical sediment, reflecting not just personal attributes but collective anxieties and aspirations. In distinguishing idioms from proverbs, the study reinforces that proverbs tend to be fixed

expressions with didactic functions, whereas idioms are more fluid and context-dependent, allowing for a broader range of interpretations. This distinction has implications for both semantic theory and linguistic anthropology, as it demonstrates the idiom's unique role in encoding and transmitting cultural meanings that go beyond the propositional content of utterances (10).

A unique contribution of this study is its exploration of idiomatic expressions within oral and folk poetry from Shabankareh. Poetry, as both a literary and performative medium, amplifies the aesthetic and affective dimensions of idioms. Songs such as "Di Belal," "Heshkeleh," and "Yar Mobarakbada," commonly performed at weddings and communal gatherings, are replete with idioms that express hope, love, resistance, and social critique. The analysis of verses such as "ar kholik khari badenjon bordeshe tasmeh tofank" demonstrates how idioms function not merely as rhetorical flourishes but as carriers of emotional and ideological content. These idioms imbue local poetry with an immediacy and authenticity that resonate deeply with audiences, reinforcing collective identity and cultural memory. Moreover, the performative enactment of idioms in oral traditions strengthens their mnemonic quality, ensuring their transmission across generations. This performative aspect also brings attention to the multimodal nature of idiomatic communication, where prosody, rhythm, and gesture coalesce to generate layered

meanings. The role of idioms in oral poetry underscores their semiotic richness and their embeddedness in the socio-cultural practices of Shabankareh, further validating the call for their preservation and academic documentation (9).

Ultimately, this research emphasizes the urgency of preserving the idiomatic wealth of the Shabankareh dialect in the face of globalization, linguistic homogenization, and sociocultural transformation. As (6) and (8) argue, local dialects such as Shabankareh are not merely linguistic variants but repositories of regional knowledge, values, and identity. Idioms, as integral elements of these dialects, encode the affective, cognitive, and social experiences of communities, serving as markers of identity and vehicles of resistance. The Shabankareh idioms, in particular, encapsulate a worldview shaped by geographic, economic, and historical forces, making them invaluable for researchers in linguistics, anthropology, and cultural studies. Preserving these idioms is not a nostalgic endeavor but a scholarly imperative for understanding the complex interplay between language, culture, and power. This study contributes to the growing body of research that views language not as a neutral conduit but as an active agent in shaping and reflecting societal structures. It also highlights the potential of idioms to foster critical discourse, emotional resonance, and cultural resilience, making them essential components of both linguistic heritage and contemporary

communication. By documenting and analyzing these idioms in their full sociolinguistic context, the research offers insights into the ways communities articulate and negotiate their place in a rapidly changing world.

The findings of this study underscore the significance of idioms in the Shabankareh dialect as more than stylistic elements; they are cognitive tools, social regulators, and cultural artifacts. Their varied forms—noun, adjective, and verb-based—enable speakers to express complex ideas, critique societal norms, and reaffirm communal identity. The aesthetic and rhetorical power of these idioms is evident not only in everyday speech but also in oral literature, where they enhance narrative richness and emotional depth. By situating idioms within their sociohistorical and performative contexts, the study reveals their multifaceted role in shaping and sustaining cultural identity. The preservation and scholarly examination of these idioms are essential for safeguarding linguistic diversity and promoting cultural continuity in an era of accelerated globalization.

References

1. Ghasemi T. A Study of Similarities and Differences between Proverbs, Aphorisms, Idioms, and Proverbial Phrases. [Unpublished manuscript]2023.
2. Hajiani F, Mahmoudi K. Etymology of Several Words in the Bushehri Dialect. *Linguistics of Iranian Dialects*. 2023(28):37-53.
3. Mazhari M, editor *The Study of Idioms in the Folk Culture of Shahr-e Kord*. 6th International Conference on Language and Literature Studies in the Islamic World; 2020; Tehran.
4. Taheri S, Taheri G. A New Classification of "Metaphor" in the Axis of Language. *Kohan Nameh-ye Adab-e Parsi*. 2020;11(1):151-69.
5. Ya'li Madad S, Babasalari Z, Karampour F. A Diachronic Linguistic Study of the Bushehri Dialect in Bushehr City: Payame Noor University, Bushehr Province; 2019.
6. Beladi A, Dousti S. Etymology of Selected Words in the Bushehri Dialect. Shiraz: Shiraz University; 2000.
7. Dastgheib Beheshti MR, Baladi A. Etymology of Selected Words in the Bushehri Dialect. Shiraz: Shiraz University; Ministry of Science, Research and Technology; 2000.
8. Hajiani F. Etymological Study of Selected Words in the Bushehri Dialect. *Journal of Social and Human Sciences*, Shiraz University. 2007(53):4.
9. Servat M. Dictionary of Persian Idioms. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 1985.
10. Azimi M. A Dictionary of Common Problems and Expressions in the Persian Language. Tehran: Qatreh Publications; 1994.
11. Hasani Abdehgah D, Zohrabi K, Rafiei C. An Investigation of Metaphors and Their Types in Persian Literature. *Ormazd Research Journal*. 2023(64).
12. Salahshour S. The Best Iranian Proverbs. Tehran: [Publisher Unknown]; 2009.
13. Shamisa S. *Bayan and Meanings*, Vol. 3. Tehran: Mitra Publications; 1995.
14. Rezaei A. *Folk Literature of Bushehr Province*, Vol. 1. Bushehr: Shorou' Publications; 2002.